

تفکر و پژوهش

۲۲۰- رابطه بین شیر آب و شیر جنگل، مانند رابطه‌ی کدام دو واژه است؟

- (۱) روح شهدا و روح زندگان
(۲) عهد قدیم و عهد دوستی
(۳) صفت خوب و لقب بزرگانه
(۴) سیب درختی و سیب زمینی

۲۲۱- رابطه‌ی میان «در» و «دربان» مانند رابطه‌ی و است.

- (۱) کاروان - کاروان‌سرا
(۲) سرای - سرای‌دار
(۳) رو - روبان
(۴) سرعت - سرعت‌سنج

۲۲۲- رابطه‌ی میان واژه‌ها در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) پنج - پنجه
(۲) شیش - شیشه
(۳) هفت - هفته
(۴) هزار - هزاره

۲۲۳- رابطه‌ی میان واژه‌ها در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) دفتر - گُل
(۲) انار - تسبیح
(۳) شانه - ارّه
(۴) کبریت - اجاق

۲۲۴- اندیشیدن به تفاوت‌ها، شباهت‌ها و رابطه‌ها در کدام‌یک از بازی‌های زیر نقش مؤثرتری در موفقیت

دارد؟

- (۱) شطرنج
(۲) اسم و فامیل
(۳) بیست سؤالی
(۴) قایم‌باشک (موشک)



۲۲۵- اگر قرار باشد بین ضرب‌المثل‌های متضاد یک خط بکشیم؛ بین ضرب‌المثل‌های مرتبط دو خط؛ بین ضرب‌المثل‌های همانند سه خط و بین ضرب‌المثل‌های بی‌ارتباط هیچ خطی رسم نکنیم، در طرح پایین مجموعاً چند خط کشیده خواهد شد؟

می‌خواهد راه صدساله
را یک‌شبه برود.

موهایش را در آسیاب
سفید نکرده.

انگور نشده مویز
(کشمش) شده.

(۱) ۳ خط (۲) ۴ خط (۳) ۵ خط (۴) ۷ خط (۵) ۹ خط

۲۲۶- نزدیکی مفهومی ضرب‌المثل «دستش توی جیب خودش» با کدام ضرب‌المثل زیر بیش‌تر است؟

- (۱) سرش توی حساب.
- (۲) پیش‌خودحسابه.
- (۳) گردنش پیش کسی کج نیست.
- (۴) از دستش آب نمی‌چکه.
- (۵) دستش کچه.

۲۲۷- فرض کنید دوستان از شما می‌خواهد به او کمک کنید، اما برای این کار لازم است با اتوبوس به جایی بروید و این شما را آزرده و خسته می‌کند. در این موقعیت (برای تشویق شما) به‌کاربردن کدام ضرب‌المثل درست است؟

- (۱) مار از پونه بدش میاد، دم لونه‌ش سبز میشه
- (۲) این دغل دوستان که می‌بینی / مگسانند گرد شیرینی
- (۳) هر که نان از عمل خویش خورد / منت حاتم طایی نبرد
- (۴) دوست آن باشد که گیرد دست دوست / در پریشان‌حالی و درماندگی

۲۲۸- اگر بخواهیم واژه‌های «برف، هشیاری، هم‌کاری، سوت، تابستان، عینک آفتابی، تمرین، استراحت» را با توجه به دو معیار در دو گروه جداگانه دسته‌بندی کنیم، کدام دو معیار مناسب‌ترین است؟

- (۱) مربوط به سرما - مربوط به گرما
- (۲) مربوط به تعطیلات - مربوط به مسابقات
- (۳) مربوط به آب و هوا - مربوط به فصل‌ها
- (۴) مربوط به خانه - مربوط به مدرسه



اگر تیزهوش هستید، بخوانید!



۲۲۹- «یک مؤسسه‌ی فرهنگی به هریک از دو شهر «الف» و «ب» ده هزار عنوان کتاب مشابه و یک ساختمان نوساز برای برپایی کتابخانه‌ی عمومی اهدا کرده‌است. بازرسان این مؤسسه در گزارش سالانه‌ی خود، عنوان کرده‌اند که مراجعان در شهر «الف» معمولاً خیلی خیلی زودتر در کتابخانه‌ی شهر، کتاب دلخواهشان را پیدا می‌کنند تا مراجعان به کتابخانه‌ی شهر ب». کدام مورد می‌تواند علت اصلی این تفاوت چشم‌گیر باشد؟

- ۱) ساکنان شهر «الف» به بررسی همه‌جانبه‌ی موضوعات توجه بیش‌تری دارند.
- ۲) مسئولان کتاب‌داری شهر «الف» در طبقه‌بندی کتاب‌های کتابخانه بهتر عمل کرده‌اند.
- ۳) ساکنان شهر «الف» در پی درک عمیق‌تر موضوعات هستند.
- ۴) مسئولان کتاب‌داری شهر «الف» به تفاوت بین بد و بدتر توجه بیش‌تری دارند.

۲۳۰- از کشورهای فرضی A، B، C و D، شش نفر در گروهی قرار گرفته‌اند. مشخصات هر کدام از آن‌ها در مورد دین، زبان، محل زندگی و محل تولدشان به کمک همین حروف A، B، C و D در جدول مقابل مشخص شده‌است. (مثلاً نفر اول دین رسمی کشور A را

محل تولد	محل سکونت	دین	زبان
A	A	A	نفر اول
B	A	B	نفر دوم
C	C	A	نفر سوم
D	A	D	نفر چهارم
A	B	B	نفر پنجم
B	B	A	نفر ششم

دارد. به زبان رسمی کشور A صحبت می‌کند. محل تولد و محل سکونتش هم در کشور A است. چند نفر از اعضای این گروه، اصلاً امکان ندارد دارای هویت فرهنگی مردم کشور A باشند؟

یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار (۵) پنج

۲۳۱- «مریم سال ششم ابتدایی است و تابستان همین امسال از استرالیا به ایران آمده‌است. پنج سال گذشته را در مدرسه‌ی ایرانی‌های ساکن استرالیا درس خوانده‌است. لهجه و نوع تلفظ کلمات مریم کمی عجیب و نامعمول است و گاهی به جای «باشه» می‌گوید OK. شیوا و معصومه هم امسال پس از دوست شدن با مریم آرام آرام لهجه‌شان شبیه مریم شده‌است و مدام می‌گویند «OK!» کدام نتیجه‌گیری از این ماجرا درست‌تر است؟

- ۱) در مدارس ایرانی‌زبان استرالیا، همه‌ی جوانب فارسی حرف‌زدن به دانش‌آموزان آموزش داده‌نمی‌شود.
- ۲) هویت ایرانی مریم در استرالیا درست شکل نگرفته‌است.
- ۳) هویت ایرانی شیوا و معصومه در ایران درست شکل نگرفته‌است.
- ۴) شیوا و معصومه با گذاشتن خودشان به جای مریم، کاری می‌کنند که او احساس غربت و تنهایی نکند.



پاسخ تفکر و پژوهش

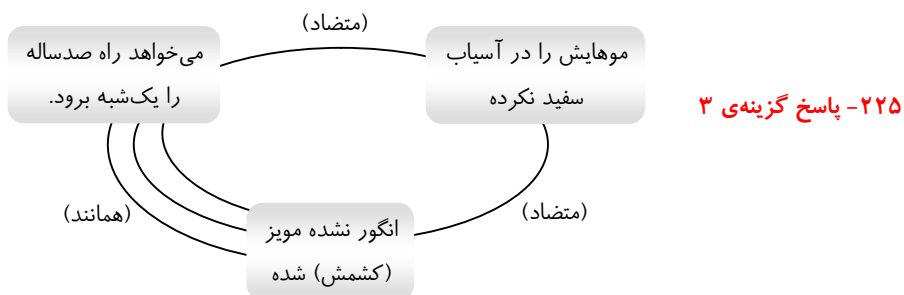
۲۲۰- پاسخ گزینه‌ی ۲ «شیر» با ظاهر یکسان، در کنار آب، یک معنا و در جنگل، یک معنای دیگر می‌یابد که کاملاً با هم فرق دارند. در گزینه‌ی یک، مفهوم روح چه در کنار شهدا و چه در کنار زندگان، تفاوتی پیدا نمی‌کند. «صفت» و «لقب» هم برعکس این حالت هستند. یعنی گرچه معنای نزدیک به همی دارند، ظاهرشان دو تا است. سیب درختی با سیب زمینی فرق می‌کند، اما این دلیل نمی‌شود که کلمه‌ی سیب معنای متفاوتی داشته باشد؛ در هر دو منظورمان میوه یا گیاهی است که یکی بر درخت و یکی از زمین می‌روید. اما عهد در گزینه‌ی دو، یک بار معنای «دوران» می‌دهد و یک بار معنای «پیمان»، پس مانند «شیر» ظاهر یکسان و معنای متفاوت دارد.

۲۲۱- پاسخ گزینه‌ی ۲ «دربان» از «در» و ورود و خروج آن، مراقبت می‌کند. درست مانند «سرایدار» که بر «سرای» (خانه و ساختمان) و ورود و خروج آن نظارت دارد.

۲۲۲- پاسخ گزینه‌ی ۲ «پنجه» چون از پنج انگشت تشکیل شده‌است، به آن می‌گویند «پنجه». «هفته» هم «هفت» روز دارد و «هزاره» از «هزار» سال تشکیل می‌شود، اما «شیشه» ربطی به عدد شیش (شش) ندارد، دارد؟

۲۲۳- پاسخ گزینه‌ی ۴ هم دفتر از برگ تشکیل شده‌است، هم گل (گلبرگ‌ها!). هم انار از دانه تشکیل شده‌است و هم تسبیح. هم شانه از ... تشکیل شده‌است هم ارّه.

۲۲۴- پاسخ گزینه‌ی ۳ (فقط کافی است که بازی کرده باشید!)



وقتی می‌گوییم «کسی انگور نشده مویز شده»، منظورمان این است که بدون کسب تجربه‌ی لازم، فکر می‌کند که به مرحله‌ی پختگی و کار کشتگی رسیده‌است؛ درست مثل کسی که «می‌خواهد راه صدساله را یک‌شبه برود» و دقیقاً برعکس (متضاد) کسی که «موهایش را در آسیاب سفید نکرده» یعنی سفیدی موهایش حاصل گذشت عمر بسیار و کسب تجربه است. خُب وقتی دو ضرب‌المثل اول مانند هم باشند و مطمئن باشیم که سومی ضد



یکی از آن‌ها است، نتیجه‌ی منطقی این است که ضد هر دوی آن‌ها است.

۲۲۶- پاسخ گزینه‌ی ۳ هردو ضرب‌المثل به این مفهوم اشاره‌دارند که روی پای خودش ایستاده‌است و وابسته و سربار کسی نیست.

۲۲۷- پاسخ گزینه‌ی ۴ قرار است شما به دوستان کمک کنید؛ پس با این ضرب‌المثل به یاد بیاورید که باید حق دوستی‌تان را به‌جا بیاورید.

۲۲۸- پاسخ گزینه‌ی ۲ خُب، مناسب‌ترین معیارها در هر دسته‌بندی، آن‌هایی هستند که: (۱) هیچ واژه‌ای را در هردو گروه جا ندهند و (۲) هیچ واژه‌ای را فراموش نکنند؛ یا به زبانی دیگر «هر واژه‌ای در یکی از دو گروه و فقط در یکی از آن دو، قرار بگیرد»؛ مثلاً معیارهای «گرما» و «سرما» نمی‌توانند مناسب باشند، زیرا بسیاری از واژه‌های ما نه ربطی به سرما دارند نه گرما. دو معیار «آب و هوا» و «فصل‌ها» نیز اصلاً مناسب نیستند، زیرا اولاً برخی از واژه‌ها مثل «هوشیاری» یا «هم‌کاری» مربوط به هیچ‌یک از این دو معیار نیستند، وانگهی «برف» می‌تواند هم مربوط به آب و هوا باشد و هم فصل‌ها. (مشکلات معیارهای پیشنهادی در گزینه‌ی ۴ را خودتان پیدا کنید.)
و اما گزینه‌ی سوم:

واژه‌های مربوط به مسابقات: هشیاری، هم‌کاری، سوت، تمرین
واژه‌های مربوط به تعطیلات: برف (روزهای برفی، مدرسه‌ها تعطیل می‌شوند)، تابستان (فصل تعطیلات)،
عینک آفتابی، استراحت
دوست دارید به یک پرسش مشابه پاسخ دهید؟

پرسش: اگر بخواهیم واژه‌های «غذا، قفس، قیچی، بلیت، باران، غنچه، زنبور، آزادی، خاک» را زیر دو واژه بچینیم و به دو گروه جداگانه تقسیم کنیم، مناسب‌ترین دو واژه در کدام گزینه آمده‌است؟
(۱) بهار، میهن (۲) باغبانی، باغ‌وحش (۳) فصل‌ها، کشور (۴) جنگل، باغچه
پاسخ: با توجه به روش تفکری که در بالا گفته‌شد، بهترین معیارها، در گزینه‌ی دوم پیش‌نهاد شده‌است.

۲۲۹- پاسخ گزینه‌ی ۲ حدوداً تنها موضوعی که می‌تواند باعث شود مراجعان به یک کتاب‌خانه، زودتر و راحت‌تر به کتاب‌های موردنیازشان دسترسی پیدا کنند، طبقه‌بندی اصولی‌تر و دقیق‌تر اطلاعات کتاب‌ها در کتاب‌خانه است.

۲۳۰- پاسخ گزینه‌ی ۳ زبان مهم‌ترین عنصر فرهنگی مردم هر کشور است؛ بنابراین نفر دوم، چهارم و پنجم که زبان متفاوتی دارند، هرگز نمی‌توانند دارای هویت فرهنگی کشور A باشند، حتی اگر آن‌جا به دنیا آمده‌باشند یا با آن‌ها دین مشترکی داشته‌باشند؛ مثلاً فرض کنید که خانمی سی‌ساله در ایران به دنیا



آمده‌باشد و از همان کودکی به کشور پرتغال سفر کرده‌باشد. اما دین رسمی‌اش همان دین پدر و مادرش یعنی اسلام باشد و شما با او هم‌سفر شوید و او نتواند با شما فارسی حرف بزند یا حرف شما را به فارسی بفهمد؛ حالا به‌صرف این‌که او متولد ایران است و مسلمانان، آیا قبول می‌کنید که فرهنگ ایرانی را می‌فهمد یا صاحب آن است؟ مطمئناً خیر، اولین شرط برای داشتن فرهنگ ایران، آشنایی کامل با زبان فارسی است. اما اگر کسی در خارج از کشور در خانواده‌ای ایرانی متولد شده‌باشد و همان‌جا هم زندگی کند، با این حال فارسی را خوب بفهمد و حرف بزند و دین او هم اسلام (یا مثلاً زرتشتی یا دیگر دین‌های ایرانی) باشد در برخورد با او امکان دارد که احساس نزدیکی فرهنگی به ما دست دهد، مانند بسیاری از ایرانیان ساکن خارج از ایران (مورد شش و سه ممکن است).

۲۳۱- پاسخ گزینه‌ی ۳ «مریم» چون سال‌ها در استرالیا بوده‌است و در کودکی، هم فارسی حرف می‌زده، هم انگلیسی، طبیعی است که فارسی را کمی نامعمول و اصطلاحاً با لهجی خارجی حرف بزند؛ اما همین‌که می‌تواند فارسی حرف بزند، نشانه‌ی هویت قوی فرهنگی او و خانواده‌اش است. در نقطه‌ی مقابل شیوا و معصومه قرار دارند که **فکر می‌کنند ایرانی‌نبودن (خارجی‌بودن) مایه‌ی افتخار است!** پس سعی می‌کنند مانند کسانی حرف بزنند که در ایران فارسی را یاد نگرفته‌اند!

۲۳۲- پاسخ گزینه‌ی ۴ در داستان «خرسی که می‌خواست خرس بماند» متوجه شدیم که موارد زیادی چون اطرافیان، ظاهر خدادادی و حتی عادات شخصی هویت انسان را تشکیل می‌دهند؛ حتی اشتباه.

۲۳۳- پاسخ گزینه‌ی ۴ گزینه‌ی یک که ربط چندان به جمله‌ی اصلی ندارد، زیرا مربوط به حیاط خانه است، نه خیابان‌های شهر. گزینه‌ی دو هم که دیدگاه اشتباهی است. درست‌نبودن گزینه‌ی سه به این خاطر است که کسی به‌دلیل چنین مسئله‌ای از شهرش اسباب‌کشی نمی‌کند؛ اگر هم اسباب‌کشی کند، کار منطقی‌ای نکرده‌است!

۲۳۴- پاسخ گزینه‌ی ۴ از داستان «میمون‌های گران‌بها» می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که کم‌شدن یک کالا، مورد تقاضای عده‌ی زیادی از مردم‌بودن و یا در انحصار شخص خاصی قرارداشتن، از نظر اقتصادی قیمت یک کالا را بالامی‌برد. چه آن جنس زیبا باشد چه زشت، فرقی نمی‌کند.

۲۳۵- پاسخ گزینه‌ی ۴ داستان «مم‌مشو» را به یاد دارید؟ بارانی که ممکن است در بعضی شهرها چون تهران، کرمان، اصفهان و ... به‌خاطر **نیاز** مردم همواره مطلوب باشد، در استان پرباران مازندران ممکن است به زندگی مردم **ضرر** برساند. البته برخی مواقع خوشایندبودن یا نبودن پدیده‌ها برای مردم از روی **نادانی** آن‌هاست، اما این‌که یک رخداد برای عده‌ای بدیمن باشد، مطرح نیست.

۲۳۶- پاسخ گزینه‌ی ۴ اگر بخواهیم یک مقایسه‌ی درست بین دانش‌آموزان دبستان و دبیرستان درباره‌ی ترس از گربه داشته‌باشیم، مشاهده کافی نیست، بلکه باید از پرس‌وجو و پرکردن پرسش‌نامه و ... نیز

